



سرشناسه	زندباف، حسن، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	فرم در موسیقی کلاسیک غرب / ح زندباف.
مشخصات نشر	تهران: روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۸۸ ص.: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا:
موضوع	موسیقی - فرم
موضوع	Musical form:
موضوع	موسیقی -- اروپا -- تاریخ و نقد
موضوع	Musical--Eirpe--History and criticism:
رده‌بندی کنگره	MT ۵۸ / ۹ف۴ ۱۳۹۶:
رده‌بندی دیویی	۷۸۱/۸:
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۳۹۸۴۱:



## فرم در موسیقی کلاسیک غرب

ح. زندباف

طرح جلد: هادی عادل‌خانی

صفحه‌آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۹۷۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: روزنه‌کار

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

ISBN: 978-964-334-700-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۰۰۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

## فهرست

۷	آغاز سخن
۱۱	منظور از فرم
۱۳	فصل اول: فرضیه تنظیم زمان
۳۱	فصل دوم: آرگانیزم فرم
۴۱	فصل سوم: ساختمان فرم
۵۷	فصل چهارم: فوگ
۸۳	فصل پنجم: سایر فرم‌های پولیفونی
۹۱	فصل ششم: فرم‌های باروک
۹۵	فصل هفتم: سونات قطعه نواختنی
۱۱۹	فصل هشتم: سوئیت‌های کلاسیک و رومانتیک
۱۲۳	فصل نهم: فرم‌های آزاد
۱۵۵	فصل دهم: ارتباط کلمه و تن
۱۸۱	فصل یازدهم: آیرا

## منظور از فرم

بیان خواست‌های هنر و دریافت‌های انسانی در طول تاریخ، شکلی خاص یافته تحت عنوان فرم. برای دست یافتن به تمایلات و احساس و خواسته‌های انسانی، محدود کردن احساس او بود که آن را به شکلی منطقی و ماندگار فرم دهند، زیرا احساسات انسانی به اشکال مختلفی تجلی می‌کند و این احساسات در عرصه گوناگون نمودهای ویژه‌ای دربرداشته و در ژرفای تاریخ، جایگاه خاصی به دست آورده است. این گرایش به اشکال مختلف مثل نثر نویسی، اشعار، نقاشی، پیکره سازی، موسیقی و بعدها تئاتر و امروزه سینما، دوران تاریخی خود را در بیان خاص خود به ثبت رسانده است. اما موسیقی زبان بسیار پیچیده‌ای دارد و ثبت تاریخی آن بایستی روشنگر راه آیندگان شود. چنانچه امروزه اروپا جریان تاریخی را به حصار کشیده و فرهنگ تکامل یافته خود را همراه با تاریخ دوران علمی هماهنگ ساخته و آن را در بازارهای جهانی به نمایش می‌گذارد. فرم موسیقی نتیجه بیش از ده قرن حرکت تاریخی و ثبت آن است. گذر موسیقی هم تا زمان حال به ثبت رسیده که شامل زندگی ابتدائی انسان بوده و تا تاریخ زمان حال را در نور دیده است.

حال به بخشی از ثبت موسیقی تحت نام "فرم" می‌پردازم که دوران تاریخی خود را سپری کرده است. ناگفته نماند که بعضی از لغات گاهی به دو شکل در کتاب به کار رفته است که یک معنی دارند: رسیئاتیو - رجیئاتیو، سنفونی - سمفونی و کاربرد این لغات گاهی ریشه یونانی و لاتین و شاید به زبان‌های دیگر مثل آلمانی، انگلیسی و یا فرانسه و... باشد و اینگونه لغات دارای یک معنی هستند و گاهی آن و گاهی این به کار می‌رود. به این دلیل مطرح کردم که از گمراهی جلوگیری شود.

در همین ابتدا باید متذکر شوم که واحد زمانی موسیقی مثل نت‌های سفید، سیاه، از اوزان اشعار و ریتم از حرکت بدن در گذشته مایه گرفته (یونان - روم) و همین واحدها در موسیقی به حالت پایه به کار برده شده است.

## عناصر اصلی فرم

### فصل اول:

#### فرضیه تنظیم زمان

۱. معیار زمانی در هر میزان (متریک)

۲. میزان

۳. ریتم

۱- واحد زمان معیاری برای نظم سیلاب‌های کشیده و کوتاه است، به عبارتی تنظیم سیلاب‌ها مطابق کیفیت آن‌ها. معیار زمانی در موسیقی، میزان‌های دو یا سه قسمتی هستند. میزان‌های دو یا سه قسمتی، میزان‌های پایه محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری موسیقی اولیه واحدها با اشکال مختلف ظاهر شده و نشان یک سری از امکانات واحد اندازه‌گیری را در بر می‌گیرد که از لغات یونانی استفاده می‌شود:

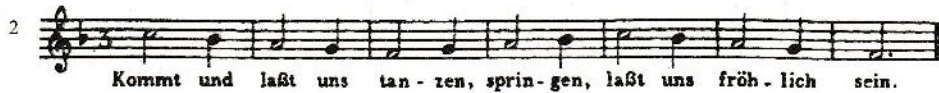
(a)  $\underline{\cup} \cup$  تروخویس<sup>۱</sup> (رونده، دونده، نام دیگر آن choraus است).

به معنی کشیده- کوتاه، سنگین - سبک، بلند کردن - گذاردن. به عبارتی در موسیقی یونان آرسیس<sup>۲</sup> = قسمت تکیه کردن بر روی نت در میزان - تسیس<sup>۳</sup> = قسمت تکیه نشده بر روی نت در میزان است. (به عبارت دیگر آرسیس در رقص به معنای بلند کردن پا و تسیس پایین آوردن که در یونان به کار می‌رفت و برای موسیقی هم به کار بردند):

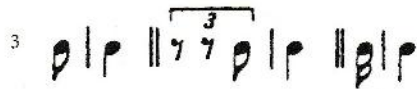
۱  $\underline{\cup} \cup$   $\underline{\cup} \cup$   $\underline{\cup} \cup$   $\underline{\cup} \cup$

1. Trochaus
2. Arsis
3. Thesis

در واقع ریتم موسیقی در اولین میزان، نشانگر معیار زمان است. ریتم‌های بعدی نشان از آن دارد که واحد زمانی دیگری ظاهر می‌سازد مثل "یامبوس" به معنای نت‌های کوتاه‌تر که می‌تواند حتی سازنده میزان ناقص اُف تاکت (Auftakt) البته به نسبت نت‌های کشیده‌ی بعدی باشد:



(b) ۵ یامبوس (پرتاب، جهش)



ملودی بیشتر رقص‌های محلی از ترکیب این واحد زمانی استفاده می‌شود و در این مورد مثال‌های زیادی وجود دارد:



در موسیقی هنری هم (جدی، کلاسیک) کاراکتر اصلی رقص پاساکالیا نشان‌دهنده‌ی این واحد زمانی است. چند مثال دیگر:

J. S. Bach, Pasacaglia



Trio, Poco piu tranquillo 26. Beethoven, Sonate op

سونات بتهوون، ایوس ۲۶، تریو



1. Jambus
2. Passacaglia



عناصر اصلی فرم ♦ ۱۵

Brahms, 4. Sinf. op. 98, 1. جمله, Allegro non troppo برامس، سنفونی شماره ۴، ایوس ۹۸



(C) ۴ داکتیلوس (ضرب انگشت، ضربه دوپل)

این واحد زمانی سه قسمتی است که می‌تواند در دو قسمتی هم قرار گیرد. در دو قسمتی حالت قدم زدن و در سه قسمتی حالت جهیدن دارد:

6a | M M M ||



Es ist ein Schnit-ter, der heißt Tod, hat G'walt vom gro- ßen Gott... Heut wetzt er das Mes-ser, es



schneidt schon viel bes-ser, bald wird er drein schnei-den, wir müssen's er-lei-den: hüt dich, schöns Blü-me-lein.

در موسیقی کلاسیک، سبسی لیانو<sup>۱</sup> نمودار داکتیلوس سه قسمتی (پاستورال) است:

Beethoven, 7. Sinf. op. 92, 1. جمله Vivace بهتوون، سنفونی شماره ۷، ایوس ۹۲



F. Schubert, "Der Tod Und das Mädchen" فرانس شوبرت، "دختر و مرگ"



H. Wolf, "Das verlassene Mädchen" (E. Mönke) هوگولف "دختر ترک شده"



1. Daktylus
2. Siciliano





انتشارات روزنه

ISBN 964334700-1



9 789643 347000

بیان خواست‌های هنری و دریافت‌های انسانی در طول تاریخ اشکال متنوعی یافته و در قالب‌های مختلفی چون نثر، شعر، نقاشی، پیکره‌تراشی، موسیقی و بعدها تئاتر و امروزه سینما تجلی کرده است. اما موسیقی زبان پیچیده‌ای دارد که خود شامل فرم‌های موسیقایی خلق شده در این هنر طی بیش از ده قرن گذشته است.

کتاب حاضر در اصل برداشتی است از کتاب *لماخر-شرودر* با همین نام که به خاطر نمونه‌های فراوان و سودمندش به زبان‌های بسیاری ترجمه شده و از متون اصلی درسی در دانشگاه‌های موسیقی جهان به حساب می‌آید.